

پس از آنکه یکی از آنها تنگ را روی سینه پدرم گذاشت من به اتفاق والدینم مجبور شدیم به آنها شام بدهیم.
او به جز چند سخن کوتاه پس از شام صحبت آنچنانی با آنها نداشته است.
آنها در اوایل ۲۰ سالگی شان بودند و همراه خود تفنگ و تلفن‌های ماهواره‌ای و لپ‌تاپ حمل می‌کردند.
می‌خواستم از احمد راجع به احتمال ملاقات با یکی از آنها بپرسم که او داستانی را که در شویبان دهن‌بدهن می‌چرخید برایم نقل کرد.
یک نسخه از فیلم تکثیرشده غیرقانونی سلمان‌خان (هنرپیشه هندی) به یک مغازهدار محلی عرضه فیلم‌های ویدئویی در شویبان رسیده بود.

احمد از جایش بلند شد شمع‌های روشن کرد پنجره را بست و پرده‌ها را کشید دو پتو هم از کمد درآورد و آنها را روی پرده‌ها انداخت. پس از آن چراغ را روشن کرد.
پرسیدم: چرا توها را روی پرده‌ها انداخته است؟
گفت: مطمئن شوم که کسی از پنجره نفهمد که ما بیدار هستیم.
ما بعد از غروب آفتاب هر اتساق را این طوری می‌پوشانیم.
ما در اینجا چراغ خیابان نداریم و چراغی را هم در ورودی یا حیاط روشن نمی‌کنیم. چراغ‌های روشن باعث می‌شود سربازان دنبال مبارزان این دسته از خانه‌ها را بازرسی کنند.
چراغ‌های روشن همچنین باعث می‌شود مبارزان این‌گونه خانه‌ها را به عنوان پناهگاه نشان کنند.

- والدین من تمام عمرشان را کار کردند تا این خانه را بسازند. یک ساعت درگیری می‌تواند آن را به خاکستر بدل کند.
- چرا از اینجا نمی‌روی؟ تو می‌توانی به هر شهری بروی و زندگی جدیدی را شروع کنی، چرا به دهلی بر نمی‌گری؟
او می‌خواست این کار را بکند اما نمی‌توانست والدینش را ترک کند.
حتی اگر او اینجا را ترک می‌کرد پسرهای دیگری باید می‌ماندند. تقریباً نیمی‌هشتم بود که احمد توها را از روی پرده‌ها پنجره برداشت.
- اکنون امن است، هیچ تحرک دیگری در این وقت انجام نمی‌شود.
شهر در تاریکی فرو رفته بود، آسمان آبی تارک و ستاره‌های تفرهای آرام بودند.

دردسرهای چراغ‌های روشن!



نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهروز طاهرپور

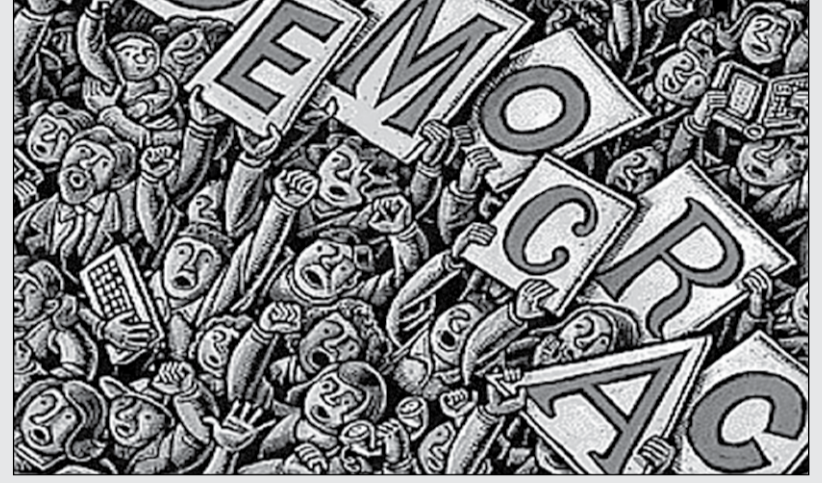
نمی‌توانستم خودم را متقاعد کنم که از احمد بی‌رسم ریسک کرده و مرا به مبارزان پاکستانی معرفی کند اما بازید از شویبان آگاهی مرا از زندگی در جامعه به‌شدت نظامی‌شده نقاط مختلف کشمیر افزایش داد.
در راه بازگشت به سرینگر من از کنار خودروهای نظامی و شبه‌نظامی و همچنین ایست‌های بازرسی متعددی عبور کردم. هندوستان بیش از نیم میلیون نیروی نظامی در کشمیر دارد.
خودروهای زرهی و سربازان به طور مداوم در جاده مشغول جابه‌جایی و گشت‌زنی بودند. ایست‌های بازرسی در جغرافیای کشمیر همانند درختان چنار، و بی‌دهای مجنون در هر کوی و برزنی سر برآورده و گسترده شده بودند.
می‌دانستم که سربازان عمدتاً از مناطق فقیرنشین روستایی و شهری هند به کشمیر اعزام شده‌اند. آنها علی‌رغم خطرناک بودن شرایط خدمت در کشمیر برای دریافت حقوق ناچیز در مراکز استخدام سرباز در صف‌های طولانی می‌ایستادند.
من گزارش‌هایی را راجع به کمبود افسر در ارتش هند شنیده بودم اما هرگز گزارشی در مورد کمبود سرباز نشنیدم.

همچنان که به آرامی به سیگار کش می‌زد و نگاهش را به نقش و نگارهای فرش دوخته بود واقعاً با نگاه احترام‌آمیزی به او خیره شده و تحسینش می‌کردم.
با روشن کرده سیگار دیگری احمد مثل یک مرد مسن و خسته به من نگاه می‌کرد.
- این مسئله دارد مرا می‌کشد، جنگ و درگیری همه کارهای فرهنگی را در کشمیر از بین برده است. در شهر او هیچ کتابفروشی یا کتابخانه‌ای نبود. مردم فقط می‌خواستند امنیت داشته باشند و بس.
احمد از اینکه خانه‌اش ممکن بود در نتیجه یک درگیری از بین برود ترس و واژه داشت. حتی اگر هیچ مبارز یا سربازی مزاحم هم نمی‌شدند او انتظار آن را می‌کشید.
فامیل احمد، دوستان و اهالی شهر به‌جز درگیری و مناقشه حرف دیگری نمی‌زدند.

از نظر رمان‌نویس، ریچارد المان (که نباید با ریچارد المَن، زندگی‌نامه‌نویس جیمز جویس اشتباه گرفته شود) یک زیبایی شناختی مشترک در بین این افراد وجود داشت: «بد نیست به اشتراکات این افراد توجه کنیم. همه آن‌ها مسیحی بودند، اما نه از نوع فرقه‌ای؛ بیشتر شبیه نگرش تی‌اس. لیوت. آنها به قدرتی والا تر و حقیقتی برتر باور داشتند که جنگ صلیبی ضد کمونیستی و ضد الهادی آنها را توجیه می‌کرد. تفکرات لیوت، پوند و دیگر

انجام می‌شود ولی ارزش و اهمیتی بر ادبیات ندارد.»
آن گینزبرگ همچنان در خیال‌پردازی خود بود. گفتم: «من فکر می‌کنم آن‌ها اهمیت بالایی داشتند، چراکه به طور مخفیانه موجب پیشرفت شغلی بسیاری از روشنفکران وابسته و نوکر صفت می‌شد و به متفکرانی که در دانشگاه بر فضای روشنفکری غرب تأثیر می‌گذاشتند، خوراک می‌داد. به هر حال، لحن و فضای روشنفکری باید انقلابی یا حداقل رادیکال باشد و ریشه‌های بیماری و ماشینی شدن و تسلطی که توسط

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۱۳۶



مدرنیست‌ها با حسن‌نخبه‌سالاری^(۱) آنها همخوانی داشت. سازمان سیا حتی ترجمه شعرهای «چهار کوارتت» لیوت را سفارش داد و نسخه‌هایی از آن را با هواپیما بر فراز روسیه ریخت. این‌ها، درست مانند ششو و ولز، مردانی بودند که «زرن انسان عادی» سوسیالیستی برایشان خوشایند نبود- آنها انسان غیرعادی و فرهنگ بالا می‌خواستند.
بنابراین، سرمایه‌گذاریشان در عرصه فرهنگ اصلاً تصادفی نبود.
آن گینزبرگ در خیالات خود تصور می‌کرد که تی‌اس لیوت بخشی از توطئه ادبی است که توسط دوست لیوت، جیمز جوسو آنگلتون ترتیب داده شد. در سال ۱۹۷۸ گینزبرگ یک داستان خیالی با عنوان «تی‌اس لیوت وارد رویاهای من شد»، نوشت، او تصور کرد که «روی عرشه یک کشتی در حال حرکت به سمت اروپا، لیوت در حال استراحت روی صندلی‌های عرشه بود و چند مسافر دیگر هم اطرافش بودند؛ پشت سرمان آسمان آبی و آبی، و زیر پایمان کف آهنی، به او گفتم: «خودت چی فکر می‌کنی، نظرت در مورد سلطه سازمان سیا بر شعر چیست؟ بالاخره آنگلتون دوست شما بود، مگر نه؟ یا او به شما لقمه و نقشه خود برای احیای ساختار فکری غرب در مقابل به اصطلاح استالینیست‌ها چیزی نگفت؟»
لیوت با دقت گوش می‌کرد. از اینکه حواسش پرت نشده بود، تعجب کردم. گفتم: «خب، آدم‌های مختلفی هستند که برای سلطه رقابت می‌کنند، چه سیاسی و چه ادبی. به عنوان مثال واپژان شمام، عارفان و روحانیونی که ابرای شادی روح میبت فاتحه می‌خوانند! و بر روی میز می‌کوبند، استدلالیان، رمال‌ها، و ایدئولوگ‌ها. فکر کنم من هم در میانسالی یکی از همین‌ها بودم. اما بله، من از توطئه‌های ادبی آنگلتون داشتم. فکر می‌کردم این توطئه‌ها اهمیتی ندارند، با نیت خیر

مدرنیست‌ها با حسن‌نخبه‌سالاری^(۱) آنها همخوانی داشت. سازمان سیا حتی ترجمه شعرهای «چهار کوارتت» لیوت را سفارش داد و نسخه‌هایی از آن را با هواپیما بر فراز روسیه ریخت. این‌ها، درست مانند ششو و ولز، مردانی بودند که «زرن انسان عادی» سوسیالیستی برایشان خوشایند نبود- آنها انسان غیرعادی و فرهنگ بالا می‌خواستند.
بنابراین، سرمایه‌گذاریشان در عرصه فرهنگ اصلاً تصادفی نبود.
آن گینزبرگ در خیالات خود تصور می‌کرد که تی‌اس لیوت بخشی از توطئه ادبی است که توسط دوست لیوت، جیمز جوسو آنگلتون ترتیب داده شد. در سال ۱۹۷۸ گینزبرگ یک داستان خیالی با عنوان «تی‌اس لیوت وارد رویاهای من شد»، نوشت، او تصور کرد که «روی عرشه یک کشتی در حال حرکت به سمت اروپا، لیوت در حال استراحت روی صندلی‌های عرشه بود و چند مسافر دیگر هم اطرافش بودند؛ پشت سرمان آسمان آبی و آبی، و زیر پایمان کف آهنی، به او گفتم: «خودت چی فکر می‌کنی، نظرت در مورد سلطه سازمان سیا بر شعر چیست؟ بالاخره آنگلتون دوست شما بود، مگر نه؟ یا او به شما لقمه و نقشه خود برای احیای ساختار فکری غرب در مقابل به اصطلاح استالینیست‌ها چیزی نگفت؟»
لیوت با دقت گوش می‌کرد. از اینکه حواسش پرت نشده بود، تعجب کردم. گفتم: «خب، آدم‌های مختلفی هستند که برای سلطه رقابت می‌کنند، چه سیاسی و چه ادبی. به عنوان مثال واپژان شمام، عارفان و روحانیونی که ابرای شادی روح میبت فاتحه می‌خوانند! و بر روی میز می‌کوبند، استدلالیان، رمال‌ها، و ایدئولوگ‌ها. فکر کنم من هم در میانسالی یکی از همین‌ها بودم. اما بله، من از توطئه‌های ادبی آنگلتون داشتم. فکر می‌کردم این توطئه‌ها اهمیتی ندارند، با نیت خیر

سلمان‌خان در این فیلم نقش یک دانشجوی رند و فریبکاری را در شهر کوچکی ایفا می‌کرد.
داستان این فیلم عشقی نابودگرانه تحت عنوان «تره نام» (نام تو) روگورد فروش فیلم‌ها را شکسته بود. موسیقی متن فیلم واکنش‌های زیادی را در کشمیر به همراه داشت به طوری که اکثر جوانان می‌خواستند مدل موهای خودشان را به سبک سلمان‌خان اصلاح کنند.
از آن به بعد مدل موی سلمان‌خان در آرایشگاه‌ها به نام مدل «تره نام» نامگذاری شد.
احمد گفت: در شویبان یک مبارز ۱۹ ساله پاکستانی وابسته به جیش محمد نسخه‌ای از این ویدئو را خریداری کرد. چند روز بعد او به یک آرایشگاه محلی مراجعه کرد و خواستار آن شد تا موهایش به سبک «تره نام» اصلاح شود.
طی چند هفته بعد مبارز یاد شده در اطراف یک کالج زنانه پرسه می‌زد.
او می‌خواست با دختری در این کالج ازدواج کند و سپس او را به پاکستان ببرد اما والدینش با این ازدواج مخالف بودند.
من او را چند بار در بازار محلی مشاهده کرده بودم. او کاملاً دلباخته شده بود و همه او را تره نام می‌نامیدند.
روز به انتها رسیده بود و تاریکی داشت بر همه‌جا از جمله حیاط، باغستان‌های سیب، کوه‌ها حکمفرما می‌شد.

شما همواره با ترس و وحشت درگیری و تیراندازی زندگی می‌کنید. صدها خانه در اثر درگیری مبارزان و سربازان نابود شده است.
صدها نفر از مردم عادی طی این درگیری‌ها به خاطر پناه دادن به مبارزان توسط سربازان هندی دستگیر شکنجه و زندانی شده‌اند.
مردم امید دارند شب هنگام آواز به صدا درآیند در خانه‌شان را نشنوند.
صدای غرش خودروهای زرهی عبوری یا صدای پای پوتین‌های سربازان در بیرون خانه کافی است که

ما در اینجا چراغ خیابان نداریم و چراغی را هم در ورودی یا حیاط روشن نمی‌کنیم. چراغ‌های روشن باعث می‌شود سربازان دنبال مبارزان این دسته از خانه‌ها را بازرسی کنند. چراغ‌های روشن همچنین باعث می‌شود مبارزان این‌گونه خانه‌ها را به عنوان پناهگاه نشان کنند.

نیازمندی های کیهان

تول رگمی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۰۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۰۵۳-۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

شمال	جنوب	مرکز	۳۳۱۱۰۲۰۲
قلیچ ۲۲۶۰۳۳۳۵	سدی ۲۳۹۶۲۲۲۳ - ۲۳۹۶۲۲۱۱	۳۳۱۱۲۱۹۳	۳۳۱۱۳۵۱۹
شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶	شرق استان تهران ۳۲۲۵۰۷۰۷۴	۳۳۱۱۲۲۹۱	۳۳۱۱۰۲۰۸
مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲	اسلامشهر ۵۲۴۴۴۴۳	۳۳۱۱۳۰۸۵	۳۳۱۱۹۵۶۸
شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ - ۶۶۵۹۳۰۱۰۱۱	چهارداگه ۵۲۳۵۰۹۵۸	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۱۱۰۲۱۰
		۳۳۹۴۲۰۰۰	۳۳۱۱۸۰۵۰

اسلامی ۹ تشری لو فروردندان	اسلامی ۸ تشری لو فروردندان
<p>نام مستعار کودک: کبان</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱</p> <p>ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان رباط کریم</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان شهریار</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱</p> <p>ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان رباط کریم</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان شهریار</p>
<p>نام مستعار کودک: کبک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱</p> <p>ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان رباط کریم</p>	<p>نام مستعار کودک: کبودک</p> <p>تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۶</p> <p>ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه</p>

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمایید.
- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا

نام: نام خانوادگی: نوع نشریه: تعداد نسخه: مدت: ماه

مبلغ پرداختی: ریال شماره فیش بانکی: تلفن: تلفن همراه: آدرس:

کد پستی: پست الکترونیکی:

شماره اشتراک:

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	—	—

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما